نقل هنری از یک فاجعه

درباره جنایت آتش‌سوزی سینما رکس آبادان به روایت فیلم و کتاب

وحید حسینی ایرانی

شب ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۷، که فردایش سالروز کودتای ننگین آمریکا و سلطنت طلبان و اراذل و اوباش علیه مردم ایران بود، یکی از هولناک‌ترین رخدادهای تروریستی تاریخ، کشور را در بهت فروبرد. چندصد تماشاچی در سینما رکس شهر آبادان در حالی که داشتند فیلم گوزن‌های مسعود کیمیایی را تماشا می‌کردند، زنده‌زنده در آتشی سوزانده شدند که عامدانه برافروخته شده بود و کسی به دادشان نرسید. در ظاهر این واقعه تلخ و تکان‌دهنده یکی از عوامل تسریع سقوط سلطنت پهلوی شد تا جایی که در همان سال شاه برای همیشه کشور را ترک کرد و آن را به دست انقلابیون خشمگین سپرد. درباره علت و عوامل این جنایت، روایت‌های متفاوتی وجود دارد و انگشت اتهام به جز ساواک به افراد دیگری نشانه رفته است، البته مدتی پس از پیروزی انقلاب، افرادی در این باره محاکمه شدند و کار به اعدام هم کشیده شد. از آن سال‌ها تا به امروز بحث‌ها و نوشته‌هایی با این محوریت شکل گرفته است، اما در سال‌های اخیر، به مدد گسترش رسانه‌ها صحبت‌های جزئی‌نگرانه و شاید واقع‌بینانه‌تری درباره آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در می‌گیرد. این تلاش‌ها عرصه فرهنگ را هم درنوردیده است، چنان که در همین اواخر، دو اتفاق جالب بُعد هنری به ثبت فاجعه و گفتن از آن بخشید. یکی انتشار کتابی از کریم نیکونظر به نام «سینما جهنم، شش گزارش درباره آدم‌سوزی در سینما رکس» در سال ۱۳۹۹ بود. نویسنده که خود اهل آبادان و روزنامه‌نگار و منتقد سینمایی است، در این کتاب می‌کوشد با بهره‌گیری از اسناد و روایت‌های مختلف که بعضا تازگی دارد، به نقل و شرح ماجرا بپردازد. «سینما جهنم» بیانی داستانی/مستند دارد و از نقل افراد درگیر ماجرا تا گزارش‌های مرتبط مانند مواضع دو حکومت پیش و پس از انقلاب را شامل می‌شود. همچنین سال ۱۴۰۰، فیلمی از شهرام مکری به نام «جنایت بی‌دقت» به نمایش درآمد که به واقعه یادشده نظر داشت، البته رویکرد مکری مبتنی بر بازسازی و روایتی هنری است و اگرچه فیلم مشخصا از رخداد آتش‌سوزی مایه می‌گیرد و به شیوه آثار مستند نیز درباره آن اطلاع‌رسانی می‌کند، نمی‌توان آن را مستند محسوب کرد. به عبارتی، «جنایت بی‌دقت» ادای دینی است به سینما و چند روایت موازی را با هم پیش می‌برد که در آن‌ها به آتش‌سوزی سینما رکس آبادان پرداخته یا ارجاع داده می‌شود. در هر صورت، خواندن آن کتاب و تماشای این فیلم احیانا توصیه جذابی برای کسانی است که می‌خواهند از واقعه تلخ شب ۲۸ مرداد سال ۵۷ بیشتر بدانند.

خبر

فراخوان بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی در خراسان رضوی

بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی با محورهای موضوعی امیدها و آرزوها، شادی‌ها و غم‌ها، ایثار و از خودگذشتگی (جهاد و مقاومت در عرصه‌های مختلف زندگی) برگزار خواهد شد. ابراهیم زره‌ساز، مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی، در گفت‌وگو با «شهرآرا» بیان کرد: قصه‌گویی از ارکان ارزشمند فرهنگ و یک رسانه قدرتمند در انتقال تعالیم عالیه دین و فرهنگ جامعه است. قصه‌گویی در قامت یک رسانه می‌تواند ذهن و اندیشه مخاطب را درگیر کند، نکات اخلاقی، دینی و فرهنگی را به او بیاموزد، مهارت‌های کلامی و شنیداری‌اش را تقویت کند. علاوه بر این، قدرت تخیل، تصویرسازی و خلاقیت را ارتقا دهد و او را آماده زندگی اجتماعی کند و یکی از مؤثرترین راه‌ها در راستای هدف تحکیم بنیان خانواده و نیز انتقال مفاهیم تربیتی به کودکان است.

زره‌ساز سپس به شیوه‌نامه بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی اشاره کرد و افزود: در بخش قصه‌گویی ملی، سه گروه سنی نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال، بزرگسالان ۱۸ سال به بالا و مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها به رقابت می‌پردازند.

زره‌ساز خاطرنشان کرد: تا پایان مردادماه علاقه‌مندان باید در بخش ملی برای ثبت‌نام اقدام کنند و در دیگر بخش‌ها هم ۳۱ شهریور امکان بارگذاری آثار در سامانه جشنواره فراهم است. به گفته وی مرحله استانی بیست‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مهرماه برگزار می‌شود و در نهایت هم زمان با شب یلدا مرحله بین‌المللی در تهران برگزار خواهد شد.

علاقه‌مندان در حوزه‌های مختلف می‌توانند با مراجعه به پایگاه جشنواره به نشانی www.kanoonfest.ir برای مطالعه شیوه‌نامه، ثبت‌نام و ارسال آثار خود اقدام کنند.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس و پراستاری

لب مطلب یا لپ مطلب؟

«لب» به معنای خلاصه، گزیده و جوهر و مغز درخت است؛ بنابراین، با «لپ» که معنای آن را می‌دانیم، متفاوت است.

پس یادمان باشد که «لُبّ مطلب» و «لُبّ کلام» به معنای اصل مطلب و جان کلام است. بعضی به اشتباه «لُپ کلام» می‌نویسند و می‌گویند. این اشتباه به دلیل نزدیکی آوایی «ب» و «پ» پیش آمده است.

لب کلام گوینده این بود که باید سخن مستند باشد. ✓

لپ کلام گوینده این بود که باید سخن مستند باشد. ✗

#زین_قند_پارسی

شهرآرا
۵شنبه
۲۷ مرداد ۱۴۰۱
۲۰ محرم ۱۴۴۴
شماره ۳۷۳۸
SHAHRARANEWS.IR
۱۰
فرهنگ و ادبیات

مجموعه شعر «دوچرخه فکر می‌کند به ما دو تا» در حوزه هنری رونمایی شد

شعرهایی از طبیعت، عشق و رفتن

گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش خبری

آیین رونمایی از مجموعه شعر نوجوان «دوچرخه فکر می‌کند به ما دو تا»، سروده عباسعلی سپاهی

یونسی، با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با حضور استادان، شاعران، نویسندگان کودک و نوجوان و هدایت در حوزه هنری مشهد برگزار شد. عباسعلی سپاهی یونسی متولد ۱۳۵۴ در شهر یونسی در جنوب خراسان است. از اوایل دهه هفتاد فعالیت ادبی را شروع کرد و در جشنواره‌های مختلف مقام‌های زیادی آورده است. سپاهی یونسی علاوه بر شعر سرودن، در فعالیت‌های مطبوعاتی، برگزاری جلسه‌ها و محافل نیز فعال است و به نوعی هدایت‌کننده نسل بعد از خودش شده است. «اولین صبح و سیب» اولین مجموعه این شاعر است که در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. «یاد لبخندهایتان هستم»، «شاید همین اطراف باشد»، «نه نخ شدم نه خرس»، «خسته نباشی خداجان» و «روستای من» مجموعه شعرهایی است که از این شاعر منتشر شده است.

یکرنگ شدن با درخت، همنوا شدن با جاده

طیبه سادات ثابت، شاعر که نخستین سخنران این مراسم بود، ضمن اشاره به این مطلب که سپاهی یونسی یکی از افراد تأثیرگذار دهه هفتاد در جریان شکل‌گیری و رشد درخور توجه شعر کودک و نوجوان در مشهد بوده است، گفت: کتاب «دوچرخه فکر می‌کند به ما دوتا» اثری ارزشمند برای نوجوانان علاقه‌مند به شعر است و به لحاظ درونمایه به موضوع‌هایی می‌پردازد که برای این قشر جذاب است. فلسفه رفتن، حرکت، پویایی، قدرشناسی و غنیمت شمردن داشته‌ها را در مضامین و تصویرسازی‌های لطیف تک‌به‌تک شعرهای این مجموعه می‌توان دنبال کرد.

آنچه این مجموعه را خواندنی‌تر می‌کند، نگاه زلال شاعر است که در دوستی، شادی، یکرنگ شدن با کوه و درخت و پرنده و همنوا شدن با جاده، تخیل را به پرواز در می‌آورد.

قله‌های این مجموعه شعر خیلی زیاد است

«یک شاعر موفق باید عاشق باشد.» دکتر جواد محقق نیشابوری، سخنانش را با این جمله آغاز کرد و ادامه داد: آقای سپاهی یونسی یک عاشق واقعی است. سراسر این کتاب عشق است؛ عشق به انسان، هستی، طبیعت، کوه. چیزهایی که با آن‌ها زندگی می‌کند. شعر و زندگی‌اش یکی است و این یکی از مشخصه‌های این شاعر است.

محقق نیشابوری سپس شعری خواند که معتقد بود یکی از بهترین شعرهای این مجموعه است:

در دلم رفتنی جوانه زده است/ کوله‌ام را دوباره می‌بندم/ کوه یعنی دوباره می‌رویم/ کوه یعنی دوباره می‌خندم/ باز از لابه‌لای ماشین‌ها/ باز از کوچه‌های خسته و تنگ/ می‌پرم چون عقاب کوهستان/ می‌روم سمت قله‌های قشنگ/ تکیه دادن به صخره‌ای سنگین/ خلوتی شاعرانه و سرشار/ چای خوردن کنار بوی علف/ لحظاتی قشنگ و بی‌تکرار/ دوست دارم هنوز دنیا را/ چون که صحرا و کوه هم دارد/ بین این روزهای تکراری/ ساعت با شکوه هم دارد

به نظر من یکی از فاخرترین شعرهایی است که می‌شود در دفاتر مختلف شعر نوجوان پیدا کنید و فاخرترین شعر این دفتر است، چون از ابتدا تا انتها در یک روند کاملا آگاهانه و ناخودآگاهِ شاعری سروده شده و در انتها هم به نتیجه بسیار مطلوبی رسیده است. او با تشبیه شعر فاخر به قله کوه توضیح داد: هیچ قله‌ای به شکل یک ستون در وسط بیابان شکل نمی‌گیرد.

قله‌ها از دامنه‌ها و تپه‌ها شروع می‌شوند و به اوج قله می‌رسند. آثار ادبی و آثار شاعران در حوزه ادبیات خلاقه درست مثل شکل گرفتن کوه‌ها و تپه‌ها هستند، چون آهسته آهسته به قله‌های مرتفع می‌پیوندند، البته شاید به ندرت بتوان شاعرانی پیدا کرد که قله‌های مرتفعشان بسیار زیاد باشد و این نه ایرادی بر این دفتر است نه دفتر هیچ شاعر دیگری، اما قله‌های این دفتر خیلی زیاد است. آقای سپاهی یونسی در این دفتر شعر نشان داد که یک شاعر تمام‌عیار حرفه‌ای هستند.

او در ادامه مسیر خلق شعر را چنین تشریح کرد: در بخش اول، شاعر باید دچار لحظات ناگهان باشد. به قول قیصر امین‌پور باید آیینه‌های ناگهان در وجودش مطلع باشد. لااقل در لحظات اول، شعر باید ناگهان بروز و ظهور پیدا کند.

تنظیم آگاهانه این بلورها و منشورهای آیینه‌وار در درون شاعر یک کار حرفه‌ای است که شخص باید در وجود خودش داشته باشد. این کار شاعر حرفه‌ای است.

بدون تردید شما هیچ شعر موفقی نمی‌بینید که بدون این لحظات ناگهان، این بارش و شعور ناخودآگاه سروده‌شده باشد، البته در پسش خودآگاهی پیشینه است؛ مثل آدمی که وزن و قافیه و کتاب‌های شاعران خوب را می‌خواند تا آماده باشد برای آن لحظه خاص. آقای سپاهی یونسی آثارشان سرشار از این‌هاست که نشان می‌دهد آداب شاعری را می‌دانند، شعر را می‌شناسند، نوجوان‌ها را می‌شناسند می‌دانند مختصات شعر کودک و نوجوان باید چطور باشد تا در حوصله مخاطبش بگنجد.

محقق نیشابوری بروز جلوه‌های مختلف هستی و طبیعت و زندگی در شعرهای این مجموعه را از دیگر نقاط قوت آن دانست و گفت: شاعر چیزهایی را دیده که دیگران نمی‌بینند و به خوبی از آن‌ها استفاده کرده است و نکته جالب‌تر اینکه تنوع از جهت درون‌مایه زیاد است. نگاه‌های اجتماعی درخشان و نگاه‌های انسانی عمیق دارد. جریان‌های اصیل زندگی در شعر ایشان جریان دارد. حتی از حوزه فلسفه کودک و نوجوان هم خیلی حرف دارد:

اگر فقط کمی/ شبیه کاج و سرو می‌شدیم/ شبیه توت و بید می‌شدیم/ تمام عمر را/ من و تو در مقابل پرنده‌های مهربان/ چقدر روسفید می‌شدیم/ ولی هزار حیف/ بشر شدیم/ و فکر و ذکرمان فقط خود است/ برای بال‌ها/ برای کوه و رودخانه و درخت/ شر شدیم.

از نخستین شاعرانی که برای نوجوان شعر عاشقانه گفت

سیداحمد میرزاده، شاعر، دیگر سخنران این مراسم بود. او از نام کتاب شروع کرد و گفت: عنوان کتاب یعنی «دوچرخه فکر می‌کند به ما دوتا» مُهر عباسعلی سپاهی یونسی است. هویت شاعرانه‌اش در همین اسم متجلی است. در زندگی سپاهی یونسی دوچرخه فقط یک وسیله نقلیه نیست، زیربنای فکری دارد. از دغدغه‌های زیست محیطی‌اش می‌آید و این دغدغه‌های زیست محیطی از حس طبیعت دوستی‌اش. و از عبارت «به ما دوتا» حسی عاشقانه استنباط می‌شود که این هم یکی از مختصات شعر ایشان است.

پرداختن به بعضی مضامین در شعر کودک و نوجوان در دهه شصت و هفتاد تابو بود، یکی از اولین کسانی که برای این گروه سنی شعر عاشقانه گفت، عباسعلی سپاهی یونسی بود و این ادامه پیدا کرده است. شعری داشت در همان دهه هفتاد خیلی آن موقع سر و صدا کرد:

یک کلاغ مستاجر/ در محله‌ی ما بود/ خانه‌اش همین نزدیک/ روی کاج زیبا بود/ رهن کرده بود آن را/ سال قبل از یک زاغ/ زاغ، خانه‌ای بهتر/ دیده بود در یک باغ/ [...]/ روی شاخه‌ای یک روز/ یک کلاغ خانم دید/ در نگاه او شادی/ در نوکش تبسم دید/ رفت و حرف زد با او/ از خودش از این عالم/ از عذاب تنهایی/ از سکوت بی‌همدم/ در محله‌ی ما باز/ شنبه شب عروسی بود/ روی شاخه‌های کاج/ خنده، دیده بوسی بود

آن خط عاشقانه هر چه آمده در شعر یونسی، عمق بیشتری پیدا کرده است. مثلا:

بی خاطرات تو چه هستم من/ جز یک دل تنها و سرگردان/ یک تک درخت پیر در یک کوه/ یک چتر بی‌مصرف پس از باران

او از این شعر به بعد دیگری از درون مایه شعرهای سپاهی یونسی، یعنی طبیعت‌گرایی پل زد: خیلی از ما شاعران از طبیعت می‌گوییم، ولی برای خیلی از ما طبیعت یک خاطره است، یک جنبه نوستالژیک دارد؛ چیزی می‌گوییم از روستا، از گل و درختی که دیده‌ایم، اما این شاعر چنان با طبیعت اخت شده که بخشی از وجودش شده و در شعرش متجلی است. وقتی در شعرش جیرجیرک می‌گوید: با ذره‌ای از خواندنت در من/ صد رود خانه می‌شود جاری

این نگاه یکسان شده و طبیعتی که با وجودش سرشته شده است.

میرزاده در پایان صحبت‌هایش به جنبه دیگری از شعر سپاهی یونسی اشاره کرد: او به شعرهای اخیرش یک جنبه عارفانه هم داده است. شاعری که چنین نگاهی دارد می‌تواند پدیده‌های کاملا نامتجانس مثل نخ و گِل و خرس را بیاورد در یک بیت شعر:

اما نه خرسم نه نَخَم نه سنگ/ او آفرید آدم مرا، آدم

آقای سپاهی یونسی هر کتابش یک اتفاق بود و حرمت شعر را نگه داشت.

شعر سرودن برای نوجوان بسیار سخت است

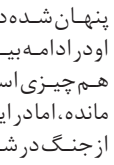

فاطمه سوگندی، دیگر شاعر و سخنران این جلسه، سپاهی یونسی را از معدود شاعرانی دانست که زیست شاعرانه دارند، یعنی زیستی که بی‌نقاب بودن و بی‌دروغ نوشتن از ویژگی‌های آن است.

او در ادامه یادآور شد: وقتی صحبت از نوجوان می‌کنیم خیلی کارمان سخت می‌شود. مخاطب شاعری که شعر نوجوان می‌گوید افرادی هستند که مرتب دغدغه‌ها و نگاهشان به دنیا تغییر می‌کند.

سوگندی پرداختن به مسئله عشق را یکی از خلاء‌های ادبیات نوجوان دانست و گفت: مسئله عشق چیزی است که می‌بینیم در چهارچوب نظام آموزشی ما تابو و ممنوعه حساب می‌شود. در این مجموعه به عشق توجه شده است. توی شعر نوجوان معشوق به گل و بلبل تشبیه می‌شود و در این نقاب پنهانش می‌کنند تا بتوانند برداشت‌های دیگری از شعر داشته باشند یا نوع عشقی که در شعر نوجوان ذکر می‌شود خیلی نزدیک است به شعر عارفانه، اما در این مجموعه مطالبه‌گری می‌بینیم: راستی تو به فکر من هستی/ این همه من به فکر تو هستم؟

این صدای نوجوان است، دیگر صدای معشوق پنهان شده در زیر چند لایه نیست.

او در ادامه بیان کرد: مسائل سیاسی و اجتماعی هم چیزی است که در شعر نوجوان مغفول باقی مانده، اما در این کتاب به آن اشاره شده است. وقتی از جنگ در شعر نوجوان صحبت می‌شود، خیلی شعارپردازی می‌شود و جنبه‌های منفی جنگ در نظر گرفته نمی‌شود، اما شاعر این مجموعه سعی می‌کند از جنگ بگریزد:

نمی‌خواهم از جنگ/ از قلب‌های سنگ/ از مرگ/ چیزی بشنوم.

کسی که می‌خواهد با نوجوان حرف بزند باید اعلام کند که با تو هم‌نظر و طرف دار نگاه تو هستم.

لیلا طالقانی یکی دیگر از سخنرانان بود که نوشته‌ای کوتاه خواند. همچنین زهرا عراقی، آیدا پاکزاد و کیانا امتحانی از شاعران جوان، در این محفل شعر خوانی کردند.

یادداشت

معرفی آثار منتشر شده از نویسنده شهیر فرانسوی در ایران و دلایل محبوبیتش

این بالزاک شگفت انگیز

مصطفی خادم

«در میان تمام رمان‌نویسان بزرگ که با آثار خود گنجینه‌های معنوی جهان را غنی کرده‌اند، به عقیدهٔ خیلی‌ها بالزاک از همه بزرگ‌تر است. او نبوغ داشت. نویسندگانی هستند که به قدرت یک یا دو کتاب خود به شهرت رسیده‌اند، گاهی به این سبب که از مطالب فراوانی که نوشته‌اند، تنها یک تکه، ارزش جاویدان یافته است؛ گاهی به این دلیل که الهام آن‌ها که زاییدهٔ یک تجربهٔ استثنایی یا ناشی از خصوصیت خلق و خوی نویسنده بود فقط به درد نوشتن یک کتاب کم صفحه می‌خورد. این نویسندگان آنچه در چنته دارند، یک بار برای همیشه می‌گویند و اگر دوباره چیزی بنویسند، حرف‌های سابق را تکرار می‌کنند. «بارونی»، از مزایای بزرگ نویسنده است و «پرباری» بالزاک، شگفت‌انگیز بود. میدان عمل او، تمامی پهنهٔ حیات عصر او بود و چشم‌اندازی وی، به وسعت مرزهای کشورش. مثل همهٔ رمان‌نویس‌ها، مطلبی که دربارهٔ آدم‌های بد می‌نوشت، بیشتر از چیزی که درباره آدم‌های خوب می‌نگاشت قرین موفقیت بود. دید او موشکاف و دقیق بود، قدرت آفرینش او عجیب بود و شمارهٔ بازیگرانی که آفریده، بهت‌آور است.»[۱]

این توصیف و تعریفی است که سامرست موام، نویسنده شهیر انگلیسی، از نابغه دوبالزاک فرانسوی می‌دهد. بالزاک ۵۱ سال عمر کرد و درست در نیمه قرن نوزدهم از دنیا رفت، اما در همین مدت آن قدر اثر خلق کرد که از او به عنوان یکی از پرکارترین نویسندگان یاد می‌کنند. بالزاک در ایران هم بسیار ترجمه و خوانده شد. ۴۰ اثر از او از سال ۱۳۲۷ تا کنون منتشر شده که از برخی از این آثار چند ترجمه موجود است. در اینجا از آثاری نام برده می‌شود که برای نخستین بار ترجمه شده است.

۷۴ سال ترجمه از بالزاک، همچنان پرطرف‌دار

عبدا... توکل کسی است که برای نخستین بار در سال ۱۳۲۷ انوره دوبالزاک را به جامعه ایرانی معرفی کرد. ۱۰۲ سال پس از مرگ بالزاک دواثرش یعنی «سرهنگ شابر» و «دختر چشم طلایی» به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. اولی را عبدا... توکل و دومی را عبدا... توکل و رضا سید حسینی به صورت مشترک ترجمه کردند.

چرا ایرانیان بالزاک‌خوان پرشوری شدند

بالزاک یک رئالیست برجسته بود. آنچه در جامعه خود می‌دید منعکس می‌کرد. داستان‌های او غم‌انگیز بود و این غم نشئت گرفته از جامعه. پس از سال ۱۳۲۰ و اشغال کشور به دست متفقین، اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشور نابسامان شد و دورنمایی که مردم می‌دیدند تیره بود و خالی از امید و بالزاک کسی بود که داستان‌هایی آغشته به رنج و درد نوشت که آن‌ها را از واقعیت وام گرفته بود. او علاوه بر اینکه بر نویسندگان ایرانی تأثیرگذار بود، مخاطبان زیادی را هم جذب کرد، به طوری که سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ پرخواننده‌ترین نویسنده و بعد از آن به عنوان یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگانی بود که آثارشان در ایران منتشر شده بود.

پرداختن به مسائل و مشکلات زنان در جامعه را یکی دیگر از دلایل استقبال از آثار او برشمرده‌اند. مسئله‌ای که پس از انقلاب مشروطه در ایران نیز از مسائل مورد توجه بود.*

بدیهی است که هنر داستان‌گویی بالزاک فارغ از مکتب و مضامینی که در آن می‌نوشت نیز پیش از هر چیزی در جذب مخاطب مؤثر بوده است.

پی نوشت:

۱- درباره رمان و داستان کوتاه، سامرست موام، ترجمه کاوه دهگان، نشر امیرکبیر

*برای نوشتن این مطلب از مقاله انوره دوبالزاک در ایران نوشته فاطمه قادری و محمدرضا فارسیان استفاده شده است.

کدام مترجمان آثار بالزاک را ترجمه کرده‌اند؟

«آرزوهای بر باد رفته» با ترجمه سعید نفیسی، «اوژونی گرانده» با ترجمه عبدا... توکل، «بابا گوریو» با ترجمه به آذین و ترجمه دیگری از ادوارد ژوزف، «خداحافظ» با ترجمه فریدون بدره‌ای، «پیر دختر» با ترجمه غلامرضا سمیعی، «چرم ساغری» با ترجمه به آذین، «در اوج قدرت» با ترجمه عنایت ا... شکیبا پور، «زن سی ساله» با ترجمه علی اصغر خبره‌زاده و ترجمه دیگری از ادوارد ژوزف، «شاهکار گمنام» با ترجمه عبدا... توکل، «شوآن‌ها» با ترجمه علیقلی کاتبی، «مجلس اشراف» با ترجمه موسی فرهنگ رازی، «گبسک رباخوار» با ترجمه مسروب بالایات، «فاچینو کانه» با ترجمه عبدا... توکل، «دختر عموبت» با ترجمه به آذین، «چرم ساغری» با ترجمه به آذین وحسینقلی جواهرچی، «داستان ترقی و تنزل سزار بیروتو، بازرگان عطرفروش، معاون ناحیه دوم شهرداری پاریس» با ترجمه اردشیر نیکپور، «دام گسترآذینا» با ترجمه رضا عقیلی، «دختر عموبت» با ترجمه به آذین، «زنبق دره» به ترتیب با ترجمه‌های به آذین و بهروز بهزاد، «کشیش دهکده» با ترجمه شاپور رزم‌آزما، «کلبه‌ای در تاریکی»، «کمدی انسانی»، «دخترماهیگیر»، «زن بی‌گناه» با ترجمه عنایت ا... شکیبا پور. «ارسولا» با ترجمه روشن آغاخانی، «پسر عموپونس» با ترجمه محمود نصری و سیروس نویدان، «عشق کیمیاگر» با ترجمه محمدمهدی پورکریم، «هانریت» با ترجمه عنایت ا... شکیبا پور. «فراز و نشیب زندگی بدکاران» با ترجمه پرویز شهدی، «فاجعه در کرانه دریا» (شامل ۵ داستان کوتاه با عنوان‌های «آل ورد و گو»، «فاجعه در کرانه دریا»، «خداحافظ» و «سرباز وظیفه») با ترجمه لیلی ستارزاده و سیاوش سرتیپی. «پاملا ژیرو» با ترجمه صادق سرابی، «پزشک دهکده»، «خاطرات دو عروس جوان»، «مادام دولاشانتری» و «دهقانان» با ترجمه هژبر سنجرخانی، «خالی بند: کمدی در پنج پرده و به نثر» با ترجمه پرویز احمدی نژاد، «شرافت سیسیلی» با ترجمه یوسف قنبر، «فلسفه زندگی زناشویی» با ترجمه بنفشه فریس آبادی، «مسافرخانه سرخ» با ترجمه محمد نجابتی، «رازهای پرنسس دوکادی نیان: صحنه‌هایی از یک زندگی پاریسی» با ترجمه مریم خراسانی آثاری هستند که از این نویسنده در ایران ترجمه و منتشر شده است.